نقش معاون پرورشی در تقویت هویت دینی و فرهنگی دانش آموزان: اقدام پژوهی در مدرسه ابتدایی پسرانه سما شهرستان میاندوآب

فرشته جمالی وند[۱*] و زینب مهراسا[۲]

[۱]دبستان پسرانه سما، واحد میاندوآب، دانشگاه آزاد اسلامی، میاندوآب، ایران

[۲]مدرسه شهید رحیم زاده، اداره آموزش و پرورش شهرستان میاندوآب، میاندوآب، ایران

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی نقش معاونان پرورشی در ایجاد انگیزه و علاقه مند کردن دانش آموزان به فعالیت های فرهنگی و مذهبی است . مقاله حاضر با توجه به این اهمیت ها و ضرورتها، می تواند به عنوان یک راهنمای کاربردی برای مدیران و افراد مسئول در حوزه آموزش و پرورش برای بهبود فرایند آموزشی و تربیتی مورد استفاده قرار گیرد و به ارتقای کیفیت آموزش و پرورش و توسعه فرهنگی جامعه کمک شایانی نماید. یکی از مسائل مهم در حوزه آموزش و پرورش، ایجاد انگیزه و علاقه دانش آموزان به فعالیت های فرهنگی و مذهبی است. ر این زمینه ، معاونان پرورشی به عنوان افراد نزدیک به دانش آموزان و خانوادهها، نقش بسیار مهمی در تقویت انگیزه و علاقه دانش آموزان به فعالیت های فرهنگی و مذهبی دارند. آنها با ارائه برنامه ها و فعالیت های مناسب ، می توانند این انگیزه و علاقه را به طور موثر تقویت کرده و به شکل دهی به هویت فرهنگی و مذهبی آنها کمک کنند. ر نهایت به این نتیجه رسیدیم که مناسب ترین فرهنگ در جامعه ما، فرهنگ دینی و اسلامی است که در این میان معاونان پرورشی در نهادینه سازی آن نقش مهمی برعهده دارند و با ارائه ی راهکارهای مناسب و علاقه مند ساختن دانش آموزان به این ساحت می توانند فرهنگ اسلامی را در جامعه قالب سازند.

واژگان کلیدی: معاون پرورشی، تقویت، هویت دینی ، فرهنگی ، میاندوآب

مقدمه

یکی از عوامل مهم که نقش موثر در تقویت هویت دینی و ملی دانش آموزان دارد، مدرسه است. به نظر می رسد عناصری که برای هویت ملی و دینی در اسناد تحول نظام تعلیم و تربیت ارائه شده است دربرگیرنده ی نظرات اکثر اندیشمندان می باشد. که شامل هشت عنصر: سرزمین و قلمرو، دین و مذهب، زبان، حکومت و دولت، نژاد و قومیت؛ سنت ها و آیین ها، میراث فرهنگی و در نهایت اسطوره ها و قهرمانان است.(۱-۴) دین همان »روش زندگی« است که در فطرت مردم، به ودیعه گذاشته شده است؛ و انسان ذاتاً به آن گرایش داشته، در پرتو رهنمودهای آموزه هایش تربیت می شود. (۵) بنابراین اکنون این سوال مطرح است که چرا تربیت

دینی انسانی که ذاتاً مشتاق دین است. از سوی دیگر نظام آموزشی می تواند به مثابه مرجعی انسان ساز عمل کند و ارزش ها، اصول و اهداف در راستای تقویت یا تضعیف هویت ملی را در جامعه باز تولید نماید. به خصوص که در حال حاضر ضرورت و نقش دوره های آموزش و پرورش فقط در توسعه مهار ت ها، قابلیت های شناختی و آماده کردن کودکان برای ورود به مدارج تحصیلی بالاتر خلاصه نمیشود، بلکه آن را عامل و اساس هرگونه تحول آغازین در عرصه رشد و توسعه اجتماعی فرهنگی و اقتصادی نیز می پندارند. (۶-۷) در واقع در عصر حاضر ، نظام آموزشی از یک سو در تبدیل انسان ها به افرادی بالنده از لحاظ فرهنگی و اجتماعی فعال است و از سوی دیگر تأمین کننده دانش عمومی مورد نیاز نیروی انسانی در بخش های گوناگون اقتصادی و اجتماعی محسوب می شود. (۸) ضمن آنکه نقش مهمی در تحکیم هویت ملی، وحدت ملی و تقویت همبستگی اجتماعی از طریق اشاعه سنت ها، رسوم اجتماعی و ایدئولوژی ها ایفا می کند. (۹) از این رو نظام آموزشی یکی از مهم ترین مؤلفه های دوام و پایداری حکومت ها محسوب می شود؛ به نحوی که عدم کارکرد صحیح آن می تواند مولد بحران های مختلفی نظیر بحران هویت شود. از این رو در شرایطی که بحران هویت به طور خاص با موضوع وحدت و انسجام ملی مرتبط است، عدم دستیابی به راه حلی قاطع جهت بر طوف نمودن آن در گذر زمان، به بحران مشروعیت منجر خواهد شد.(۱۰) از این رو بنظر می رسد نظام آموزشی بتواند نقش مهمی در شکل گیری و تکوین هویت ملی به ویژه در جوانان و نوجوانان ایفا نماید و جهت گیری هویتی افراد را با جهت گیری ارزشی و هنجاری نظام سیاسی همراه سازد. بی تردید، نسل جوان و دانش آموزان خواهان فهم دقیق معارف دینی هستند؛ همچنان که تحقیقات مختلف نشان می دهد، نوجوانان و جوانان جامعه، نه تنها دین ستیز نیستند، بلکه دین باور و تربیت پذیرند؛ و از کژکارکردهایی که به نام دین تمام می شود، به شدت رنج می برند. (۱۱-۱۳) افزون بر این پدیده جهانی شدن و رشد خارق العاده ارتباطات ماهواره ای و رایانه ای، زندگی گرم معنوی انسان را به زندگی سرد ماشینی تبدیل کرده و هویت مذهبی او را ناشناخته و مجهول قرار داده است. از این رو، مشکلات تربیت دینی، معلول ماهیت و ذات خود دین نیست، بلکه علت یا علل آن را در خارج از قلمرو دین و آموزه های دینی باید جست و جو کرد .(۱۴)

برای دانش آموزان درک هر یک از این مولفه ها فراز و فرود دارد و این به دلیل شرایط سنی و ذهنی است که نمی توانند تمامی این عناصر را در یک سطح، درونی سازند. ر اهداف طراحی شده برای آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران ، در کنار توجه به هویت فردی ، تاکید ویژه ای برای شکل دهی به هویت ایرانی – اسلامی دانش آموزان شده است . بحث محوری سند برنامه ی درس ملی توجه به هویت ایرانی – ۰اسلامی دانش آموزان می باشد . سند ملی آموزش و پرورش در افق چشم انداز بیست ساله با در نظر گرفتن نقش محوری برای ارزش ها ، باورهای دینی و ملی تدوین شده است .(۱۵) برای تحقق این اهدف ، فعالیت های مختلف طراحی و با روش های مختلف در مدارس اجراء می شود . در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی به وسیله روش ها یی مانند : برگزاری انواع مسابقات ورزشی ، علمی ، فرهنگی و هنری ، فعال کردن انواع تشکل های دانش آموزی در مدارس) شوراهای دانش آموزی و بسیج دانش آموزی، شرکت دادن دانش آموزان در راهپیمایی ها و مراسم سیاسی، مشارکت دادن دانش آموزان در انواع برنامه ها و مراسم ، جشن ها و فعالیت های مختلف در درون مدرسه ، تشکیل مدارس تخصصی قرآن ؛ به پرورش هویت دینی دانش آموزان می پردازند . (۱۶) در کنار عوامل فوق ، توجه به کتاب های درسی و محتوای آنها از مهم ترین راه های هستند که نظام های سیاسی و آموزشی از طریق آن اهداف مربوط به هویت سازی را دنبال می کنند. فرهنگ پایه های هویت جامعه را می سازد.(۱۷) دستگاه آموزش و پرورش؛ شاخص ترین و بارزترین جلوه های فرهنگ هر جامعه، به شمار می آید، یعنی همان علمی است که توسط

نسل های پیشین بر آنان که هنوز آماده زندگی اجتماعی نیستند اعمال می شود و هدف آن پیدا کردن و پروراندن آن دسته از حالات جسمانی، اخلاقی و فرهنگی در یک فرد است که جامعه به طور کل با محیط خاص که وی در آن زندگی می کند، از او توقع دارد .

روش پژوهش

اقدام پژوهی یک روش مطالعه و پژوهش نظاممند عملی است که میتواند در حل مشکلات موجود در مدرسه و کلاس درس به معلّمان کمک کند .جمع آوری داده های تحقیق به روش های میدانی و کتابخانه ای انجام گرفت، ازجمله مشاهده، مصاحبه با معلّمان و کادر مدرسه، والدین، دانش آموز و پژوهش در عمل نوعی تحقیق توصیفی است. در پژوهش عملی پژوهشگر تلاش میکند وضعیت نامطلوب یا نامع ی ن موجود را به وضعیت مطلوب یا معین تغییردهد.

توصیف وضعیت موجود

اینجانب ... . مدرسه ابتدایی پسرانه سما شهرستان میاندوآب می باشم. بنده در حدود..... ....سال است که در آموزش و پرورش در حال خدمت هستم و هم اکنون در سمت معاون پرورشی در .....در حال انجام وظیفه هستم.دانش آموزان این مدرسه ، با وضعیت تحصیلی خوب به تحصیل مشغولند .اما متأسفانه مشکلات اخلاقی و مذهبی زیادی ازآنان دیده می شد و من همه روزه از دیدن عدم توجه دقیق به مسائل دینی در دانش آموزان ، مشکلات اخلاقی ایشان ، عدم رعایت مسائل مذهبی ، عدم استقبال از نماز جماعت ، بی توجهی به مراسم مذهبی، دروغگویی و۰۰۰ رنج می بردم و به واسطه سمتم در این مدرسه که فضای بازی برای گفتگو ایجاد می نماید، زمانی که با دانش آموزان به بحث می پرداختم مشاهده می کردم که همه آنان بالاتفاق با قضیه دین و ضرورت رعایت مسائل شرعی موافقند اما در عمل مشاهده می کردم رفتارشان خلاف گفتارشان را نشان می دهد۰

گرد آوری شواهد۱

گردآوری اطلاعات اغلب از طریق چهار روش میسر می شود. این چهار روش عبارتند از: مصاحبه، مشاهده، پرسش نامه و اسناد و ارقام. هر یک از این چهار روش کاربرد ها و ویژگی هایی دارند که لازم است اقدام پژوهان پیش از آغاز و اقدام به پژوهش با این روش ها آشنایی کافی را کسب کنند. این که چه روشی یا فنونی در اقدام پژوهی کاربرد دارد بستگی به موضوع و هدف آن پژوهش دارد. همه اطلاعاتی که جمع آوری می شود شواهد لازم برای اثبات یا رد چیزی نیستند. به بیان دیگر داده ها (اطلاعات) مترادف با شواهد نیستند. شواهد داده هایی هستند که بدان وسیله می توانیم درباره ی تغییرات چیزی یا رخدادی داوری کنیم پس برای اثبات یا رد چیزی باید شواهد قابل قبول داشته باشیم.

بنا بر این اینجانب علی محمد مولوی در این اقدام پژوهی از روش های مصاحبه با دانش آموزان و دیگر همکاران و همچنین مشاهده رفتار دانش آموزان بهره جستم و به جزئیات زیر رسیدم:

۱. دانش‌آموزان آموزه های دینی را رعایت نمی‌کردند و پروایی از این مسئله نداشتند.

۲. استقبال از نماز جماعت بسیار کم و ناچیز بود.

۳. دروغگویی برای توجیه کم کاری و نمرات پایین و... وجود داشت و غیبت بین دانش‌آموزان بشدت رایج بود.

۴. در موقع صحبت کردن با یکدیگر از الفاظ زشت، همچنین شوخی‌های نابجا استفاده می‌کردند.

۵. دانش‌آموزان علاقه‌ای به درس هایی مثل دین و زندگی از خود نشان نمی‌دادند.

راه‌حل‌های پیشنهادی

برگزاری شورای آموزگاران و مشورت با همکاران

تهیه و ارائه‌ی پرسش‌نامه به دانش‌آموزان.

مشورت با افراد متخصص در این زمینه

بررسی راه‌کارها ارائه شده و انتخاب بهترین راه

مطالعه کتب، مجلات، پایان‌نامههای مرتبط با موضوع و سرکشی به سایت‌های مختلف

مشاهده رفتار دانش‌آموزان

برگزاری جلسات هم‌اندیشی

انتخاب راه جدید به طور موقت:

بدیهی است که شکوفایی یک رویکرد جدید در مدرسه، مستلزم اندکی تمرین و بردباری است. اما از آنجایی که راهبردهای آموزشی اثر بخش بریافته های علمی و تجربه های عملی و مکتب رفتارگرایی و شناختی متکی هستند، می توان از آن به عنوان رویکردی مناسب و اطمینان بخش در آموزش مفاهیم استفاده کرد. چه بسا، بسیاری از ما در مدرسه همیشه به دنبال راهی نو برای تغییر روش های خود هستیم. اما آیا هیچ وقت سعی کرده ایم این تغییر را در خودمان ایجاد کنیم و آن را در جهت بهبود وضعیت مدرسه استفاده کنیم؟ بعد از اینکه دلایل به وجود آورنده را تجزیه و تحلیل کردم، سعی کردم تا تعدادی از راه حل های مورد نظرم را در کلاس درس اجرا کنم. البته همان طور که قبلاً اشاره کردم. بعضی از دلایل ذکر شده عادات اشتباهی بود که از دوران کودکی و از بطن خانواده به ایشان انتقال یافته بود. و من به سختی می توانستم آنها را تغییر دهم چرا که تفاوت های خانوادگی اثرهای پایدارتر و عمیق تری را بر رشد کودک و نوجوان می گذارد. تحقیق ها نشان می دهند، بسیاری از اختلال های رفتاری ، صرف نظر از وراثت، نتیجه نبود محبت و ارتباط صمیمی بین اعضای خانواده است. از سوی دیگر، شرایط خاص هر خانواده از جمله فشارهای ناشی از بیکاری، فقر، ضعف فرهنگی و مشکلات خانوادگی به طور مستقیم بر شکل گیری شخصیت کودکان و دانش آموزان تاثیر می گذارد.

البته من می توانستم مثل یک دوست خوب این تغییرات را در جهت درست سوق دهم تا از ایجاد مشکلات بیشترجلوگیری کنم. سعی کردم راه حل های خود را بیشتر حول محیط مجتمع و کلاس درس و تکیه بر آموزه های دینی و مذهبی قرار دهم تا نتایج بهتری را به دست آورده و کمتر به خطا بروم. البته در انتخاب راه حل باید از مدیر مدرسه و دیگر همکاران نیز کمک می گرفتم تا من را در اجرای صحیح راه حلها یاری دهند. مدیرمدرسه در مورد تشویقها و تنبیهات به موقع و به جا و همچنین کمک به برگزاری جلسات مکرر با والدین دانش آموزان در مورد رفع مسائلی که مربوط به محیط خانوادگی بچه ها بود به من قول مساعدت و همکاری دادند. حالا من می توانستم با صبر و حوصله بیشتر به انتخاب راه حل برای بقیه مشکلات بپردازم. راه حل های پیشنهادی خود را با دیگر همکاران در مدرسه وسرگروهای دروس در گروه های آموزشی منطقه در میان گذاشتم و در مورد آن با ایشان نظرخواهی کردم و خوشبختانه همگی نظر مساعد خود را اعلام کردند.

اجرای طرح جدید و نظارت بر آن:

جان واتسون (۱۹۲۰) می گوید:«یک دوجین نوزاد سالم و شرایط خاصی که مورد نظر من است، به من بدهید تا آنها را بزرگ کنم. من تضمین می دهم که هر کدام را به طور اتفاقی انتخاب و برای تخصص خاصی مانند پزشکی، وکالت، هنرمندی، بازاریابی و حتی دزدی و گدایی، تربیت کنم با صرف نظر از استعداد، تمایل، توانایی ، شغل دلخواه و آمادگی فردی آن فرد». این جملات به روشنی نشان میدهد که آن ها انسان را قابل تبدیل به هرآن چه آموزش گران بخواهند، می دانند. این خواسته ، بدون هر گونه بستگی به خواسته فرد، از راه مدیریت محرک و پاسخ ها برای فرد قابل حصول است. انسان چون جعبه سیاهی است که معلم باید جریان آموزش را برای او طراحی و اجرا کند. پس مربی باید به مباحث و کاری که می خواهد انجام دهد تسلط کامل داشته باشد.

۱-الگو قرار دادن رفتار های خودم و دانش آموزان خوب مدرسه ابتدایی پسرانه سما شهرستان میاندوآب:

در پرورش و شکوفایی استعدادهای انسان ها، عوامل متعددی دخالت دارند، مانند والدین، مربیان و معلمان ، برنامه های آموزشی و تربیتی و روش ها و الگوها، الگو و نمونه که در تعبیر تربیت دینی ما و در قرآن کریم از آن به نام اسوه یاد شده است تاثیر بسزایی در ساختار و شکل گیری شخصیت افراد و رشد و شکوفایی توانایی های بالقوه آنها دارد. همان گونه که هنرمند برای طرح و خلق اثر هنری به الگو و نمونه مشخصی نیاز دارد. انسان نیز برای شکل دادن به شخصیت خویش، به الگو احتیاج دارد تا ساختمان اخلاقی، فکری و شخصیتی خویش را مطابق آن بسازد. البته نیاز به اسوه و الگو همگانی است، ولی بین دانش آموزان این نیاز بیشتر و مهم تر است، چون آنها بیشتر از دیگران به الگوها می اندیشند و به کمال و ترقی بیشتر علاقه مندند. تعابیر قرآنی نیز تصریح بر این دارد که انسان برای کمال خویش باید سراغ«اسوه و نمونه های برتر» برود. در این دوره گرایش غالب دانش آموزان به صمیمیت، شجاعت، زیبایی، ایمان، سواد و دانش، هنر و استقلال فردی است. لذا در هر کس این صفات را به صورت بارز و مشخص تر ببینند به او علاقه مندی نشان می دهند. این نکته را نیز باید یادآور شد که الگو نباید شخصیتی خیالی و توهمی باشد که نتوان به او رسید، بلکه الگوهای مناسب بسان قله های بلند و رفیع هستند که روح را برای صعود و اوج گیری فرا می خوانند و نیروهای آشکار و پنهان دانش آموزان را برای دست یابی به آن متمرکز می کنند. من نیز اولین قدم در اجرای طرح را ایجاد صمیمت و نزدیکی با دانش آموزانم و الگو قرار دادن رفتارهای خودم برای ایشان قرار دادم. من سعی کردم تا در رفتارهای خودم، صبوری، سعه صدر، غم خواری در تربیت ایشان، نرمی در سخن، پایبندی به گفتار خویش، حسن خلق و رعایت ادب و احترام و ... را رعایت کنم و آنها را از این نکته

مطمئن سازم که من به حرفهایی که می زنم کاملاً اعتقاد دارم. از طرفی با ایشان رابطه ای دوستانه و صمیمی ایجاد کردم. همیشه چند دقیقه ای از وقت کلاس و یا زنگهای تفریح را با آنها صحبت می کردم، خاطراتی از زمان تحصیل و کودکی و نوجوانی خودم تعریف کرده و یا با بیان یک داستان کوتاه اخلاقی برای ایشان انگیزه ابراز وجود ایجاد می کردم. به آنها کاملاً فهمانده بودم که من هم یکی مثل شما هستم و از نیازها و مشکلات شما کاملاً آگاهی دارم و قصدم فقط کمک به شماست تا در آینده نه چندان دور رفتارهای شما مایه سربلندی من، خودتان و خانواده هایتان باشد و بتوانید انسانهای آگاهی برای فردا، باشیدیکی دو نفر از دانش آموزان کلاس خودشان و مدرسه را مثال زدم که رفتارهای بسیار خوب و شایسته ای داشتند از بچه ها خواستم تا رفتارهای ایشان را برای خود الگو قرار دهند و از رفتارهای خوب آنها البته با بهره گیری از نیروی فکر و اندیشه خودشان در جهت تغییر رفتارهای خود ،بهره بگیرند. البته چون دانش آموزان در این سن دارای حس حسادتی قوی هستند و این امکان وجود داشت که این حس در آنها رخنه کند و علاوه بر آن ، آن دانش آموز هم احساس برتری کاذبی را در خود ایجاد کند. این عمل را به صورت یک مسابقه در کلاس اجرا کردم و بعد از گروه بندی ایشان گفتم هر گروهی که بتواند در انجام کارهای خوب و رعایت ادب و انجام رفتارهای شایسته از بقیه گروهها پیشی بگیرد و تعداد امتیازهای مثبت خود را افزایش دهد، به عنوان گروه برتر انتخاب و معرفی خواهد شد و در نهایت مورد تشویق قرار خواهد گرفت.

۲- استفاده از آموزه های دینی و مراجعه به آیات ، احادیث و روایات : امام صادق (ع) فرموده اند: «من قرا القرآن و هو شباب مومن اختلط القرآن بلحمد و دمه » آن وجود شریف به خوبی تبیین می فرماید: که اگر آموزه های دینی و قرآنی در جوانی در ذات و گوهر وجودی نوجوان قرار گیرد، آن گونه نهادینه و تثبیت می شود که در گوشت و خون جوان آمیخته می گردد، آمیختگی که به دنبال آن ثبات در دین و پایداری در ایمان را به دنبال دارد. بنابراین اگر ما حساسیت این مقطع سنی را درک کنیم، از این فرصت به عنوان یک فرصت طلایی در بهره گیری از آن همت ویژه ای را به کار خواهیم بست . تقریباً ۱۲ سال از زندگی یک فرد ایرانی در محیط مدرسه سپری می شود. یعنی با شاخص متوسط عمر یک ایرانی (۶۵ سال) یعنی ۱۸٪ عمر مفید. نگاهی کوتاه به فرایندهای آموزشی در موضوع آموزه های دینی در مدارس و شیوه های انتقال آن نشان می دهد که ما، در این مبحث کمترین توجه را به مدارس داشته ایم و اگر اقداماتی انجام داده ایم ، کافی و پاسخگو و انسان ساز نبوده است متاسفانه مسئله ای که نمود آن کاملاً در کلاس من مشخص و چشمگیر بود عدم وجود اعتقادات دینی و تربیتی کافی در این سن بود. مسائل ارزشی مثل رعایت واجبات دینی خشکیده و به آن کم توجهی شده بود. وجود شبکه های ماهواره ای در بیشتر خانه ها حتی باعث فراموشی بسیاری از مناسبت ها شده بود. همیشه سعی می کردم در خواندن نماز پیش قدم باشم تا بچه ها به دیدن من و بقیه همکاران انگیزه ای برای خواندن نماز داشته باشند. باور کنید معنویت آن نمازخانه کوچک از یک مسجد هم بیشتر می شد وقتی بچه ها با علاقه برای شرکت در نماز حاضر می شدند.

۳- تهیه یک تابلوی کوچک برای کلاس های درس که آن را در کنار تخته کلاسها نصب کردم و از بچه ها خواستم تا به ترتیب روزی یک نفر مسئولیت نوشتن یک حدیث یا آیه تربیتی را روی آن بر عهده بگیرد. و همیشه قبل از شروع درس با هم حدیث یا آیه را می خواندیم و به کسانی هم که آنها را حفظ می کردند امتیاز ویژه ای تعلق می گرفت. همین موضوع علاوه بر تاثیر مثبتی که بر اخلاق و رفتار ایشان داشت باعث شد ایشان به حفظ حدیث علاقه مند شوند و بیشتر آنها در مسابقات قرآن و حدیث در منطقه شرکت کردند و نتایج بسیار خوبی هم کسب کردند. در کنار این مسائل از مدیر مدرسه خواستم تا در صورت امکان بیشتر مراسمات

مذهبی را در محیط مدرسه اجرا کند و خودم هم جهت اجرای مراسمات و کمک به ایشان در آماده کردن محیط و یا خرید وسایل پیش قدم شدم. مراسمات ماههای محرم و صفر، برگزاری اعیاد و عزاداری ها و ... در مدرسه کوچک ما برگزار می شد و تاثیر بسیار خوبی در اخلاق بچه ها داشت.

۴- تهیه کتابخانه کلاسی: حضرت علی (ع) می فرماید: هر آن کس که با کتاب آرامش یابد، راحتی و آسایش از او سلب نمی گردد. بسیاری از دانشمندان و روانشناسان معتقدند که اساس و زیربنای شخصیت انسان در سالهای اول زندگی پایه گذاری می شود و آموخته های این دوران، تاثیر عمیقی بر آینده ی زندگی فرد دارد. بنابراین اگرمطلب خواندنی مفید و سازنده در اختیار دانش آموزان قرار گیرد و آنها از همان سنین کودکی به مطالعه عادت کنند، راه و رسم زندگی را خواهند آموخت و تحت تاثیر داستان ها و کتاب های آموزنده، به رشد و تعالی خواهند رسید و در آینده نیز برای حل مشکلات خود از کتاب کمک خواهند گرفت. حضرت علی (ع) می فرمایند: «بهترین چیزی که دانش آموزان باید یاد بگیرند سلسله کارهایی است که به هنگام بزرگسالی به آن نیازمند خواهند بود» . آدمی برای داشتن یک زندگی سعادتمند، نیازمند بینش و آگاهی است و آموخته های دوران کودکی و نوجوانی، مقدمه ای برای زندگی فرد است. کودکان راه زندگی سعادتمندانه فردا را امروز باید بیاموزند و در این مسیر، کتابخوانی چون فرا راه آنهاست مشکل دیگر دانش آموزان این کلاس عدم دسترسی ایشان به منابع مطالعاتی مفید بود. بنابراین هیچ کدام از آنها اصلاً اهل مطالعه نبودند. یک روز بعد از ورود به کلاس ها جعبه ای را با خودم به کلاسها بردم و به بچه ها گفتم: این جعبه از این بعد کتابخانه کلاس شماست و خودم به عنوان اولین اهداکننده چند کتاب داخل جعبه انداختم و به آنها گفتم شما هم می توانید هم اهدا کننده کتاب باشید و هم عضو این کتابخانه کوچک. هیاهویی در کلاس ایجاد شد و برق شادی در چشمان تک تک ایشان نمایان شد. بعد از یکی دو هفته، آن جعبه تبدیل به یک فضای زیبا در کلاس درس شده بود. بچه ها قسمتی از کلاس را به زیبایی تزئین کرده و بعد از یک طبقه بندی مناسب کتاب ها را داخل آن گذاشته بودند. من به آنها گفته بودم که هر وقت بخواهند می توانند کتاب ها را با خود ببرند. بنابراین آنها به راحتی کتاب ها را به این کتابخانه اهدا می کردند. یکی از بچه ها دفتری را تهیه کرده بود و به عنوان مسئول کتابخانه که با انتخاب بچه ها انجام شده بود، کتابها را به بچه ها می داد تا بعد از مطالعه آن را به کتابخانه برگردانند. من هم از این فرصت استفاده می کردم و کتابهای مفید دینی و اخلاقی را داخل کتابخانه جهت استفاده قرار می دادم. این کار یعنی تهیه کتابخانه از بهترین کارهای انجام شده بود چرا که خود به تنهایی نتایج مثبتی را به شرح زیر کسب کرد: عادت به فرهنگ مطالعه و استفاده از کتاب های مفید در اوقات فراغت به جای تماشای فیلم های غیر اخلاقی . ٠ حس رقابت مفید و سازنده در خواندن کتاب های بیشتر بین بچه ها ی کلاس. ٠عادت به رعایت نظم و امانت داری بین بچه ها . ٠ استفاده از تجارب زندگی ائمه دین و بزرگان و الگوسازی های مثبت در زندگی . ٠ پر کردن فضاهای خالی روحی و جلوگیری از رفتارهای پرخاشگرانه در کلاس درس.

۵- برگزاری جلسات مکرر با والدین دانش آموزان : مسئله ارتباط کودکان و نوجوانان به خانواده، جنبه ی مهمی از موضوع رشد آنها محسوب می شود. گرایش به گروه هم سالان، چنین تصوری را به وجود می آورد که ، انتخاب بین ارتباط با «خانواده» یا «هم سالان» موضوعی تعارضی است. اما در واقع برای رشد متعادل روانی و اجتماعی، هر دونوع ارتباط ضروری است. به این ترتیب، به جای تمرکز بر تعارض، باید کیفیت ارتباط با خانواده را مورد تحلیل قرار داد. خانواده به عنوان بوته ی احساس هویت مطرح است. هم گرایی و یکپارچگی شخص، که اریکسون آن را مهم ترین پیشرفت مهم کودکی و نوجوانی برشمرده است، به صورت عمده به تجربه های درون خانواده بستگی دارد. مهمترین بخش پروژه صحبت با والدین بچه ها بود. البته بعد از چند جلسه که در روزهای

اول به صورت تک نفری و بعد گروهی این جلسات را برگزار می کردم، متوجه شدم که والدین ایشان نیز بسیار علاقه مند به همکاری هستند و البته مسلماً یکی دو نفر هم بی انگیزه وجود داشت که کار مرا سخت می کرد اما باعث ناامیدی من نشد. یک سری از وظایف را روی کاغذ نوشتم و از والدین بچه ها خواستم تا این مسائل را در محیط خانه رعایت کنند و نتایج آن را طی جلسات بعد به من اطلاع دهند. مجموعه وظایفی را که من برای والدین تعیین کرده بودم عبارت بودند از: - فرزندان خود را نسبت به خواندن قرآن و نماز در خانه تشویق کنید. - در حضور بچه ها، از بحث و جدل با یکدیگر و بر زبان آورن حرفهای زشت و ناروا پرهیز نمایید. - دیدن برنامه های شبکه های ماهواره ای و تلویزیونی را که مناسب سن بچه ها نیست را کنترل کنید. - بچه ها را در مهمانی ها و مکانهایی که مناسب سن ایشان نمی باشد همراه نبرید. - روابط دوستانه ای با بچه های خود برقرارکنید تا مشکلاتشان را به راحتی باشمادرمیان بگذارند. - به شخصیت فرزندتان به عنوان یک انسان بالغ احترام بگذارید وازتبعیض بین بچه ها جدا خودداری نمائید.

۶- تعیین یک سری قوانین تربیتی در کلاس های درس: باید قوانینم را به روشنی و بدون ابهام بیان می کردم و فرصت کافی برای انجام خواسته هایم را به ایشان می دادم. در ضمن باید از بیان دستورات خشک و مستقیم خودداری کرده و سعی می کردم درخواستهایم را با ذکر دلیل همراه کنم چرا که مقررات خشک و بدون هدف و برنامه ،دردسر آفرین است.ضمنا از آموزگاران کلاس ها خواستم تا با این موضوع همکاری لازم را داشته باشند در این مورد باید از سرزنش و تنبیه کمتر استفاده کرد و آنها را مورد بی مهری، تبعیض و بی اعتنایی قرار نمی دادم . پس باید خیلی با احتیاط عمل می کردم. بنابراین در وهله اول سعی کردم کودکی خودم را به یاد آورم و درک روشنی از نیازهای بچه ها داشته باشم. در این سن باید به بچه ها اجازه می دادم، در بسیاری از موارد خودشان در مورد رفتارهای خود به تفکر پرداخته و به راه حل های مناسب دست پیدا کنند. بنابراین از یک سری قوانین و رفتارهای ساده شروع کردم که عبارت بودند از : - استفاده از واژه ها و الفاظ محترمانه در برخورد با یکدیگر، معلمان و والدین مثل: شما، متشکرم، خواهش می کنم، لطفاً ، بله و ... . - در صحبت کردن با یکدیگر احترام را کاملاً حفظ کرده و از به کار بردن کلمات زشت و نامناسب و القاب ناروا حتی در هنگام شوخی با یکدیگر نیز استفاده نکنند. - از جنگ و جدل و پرخاشگری و با صدای بلند خندیدن در کلاس درس و حیاط مدرسه خودداری نمایند. - به مراسمات و مناسبت های مذهبی و ملی احترام گذاشته و مناسب با هر کدام رفتار کنند. - توجه به رعایت نظم و ترتیب و اطاعت از قوانین مدرسه مثل: اجازه گرفتن، بلند شدن در جلوی معلم و ... - عدم برهم زدن نظم کلاس در هنگام تدریس درس. برای اینکه بچه ها به خوبی از این قوانین اطاعت کنند، تعدادی کارت تشویق تهیه کردم و به کسانی که این قوانین را به خوبی رعایت می کردند کارت اخلاق می دادم و با هم قرار گذاشتیم که در پایان سال هر کس تعداد بیشتری از این کارت ها را داشته باشد به عنوان الگوی اخلاقی کلاس ها معرفی می کنم. و برای ایجاد انگیزه بیشتر اعلام کردم به۵ نفر هم جایزه های نفیسی تعلق می گیرد. برای جلب توجه بیشتر با کمک بچه ها قوانین را روی یک مقوای بزرگ نوشته و در جایی از کلاسها که در معرض دید بچه ها بود روی دیوار چسباندیم. دراجرای این راه حل سایر آموزگاران نیز بامن همکاری کردند.

۷- تشویق از دانش آموزانی که همکاری خوبی در اجرای پروژه داشتند: در هنگام اجرای طرح و از ابتدای آن بیشتر بچه ها همکاری خوبی داشتند و سعی در تغییر رفتارهای خود می کردند.به طوری که تغییرات از همان ابتدا در بعضی ها کاملاً نمود داشت. من نیز سعی کردم تا رضایتم را نشان دهم و با رفتارهای خود موجب ایجاد انگیزه و تداوم رفتارها باشم. گاهی اوقات با گفتن کلمات و جملات ساده مثل یک آفرین و یا یک لبخند، تعریف از ایشان در کلاس های دیگر، سرصف، در حضور آموزگاران دیگر و ... و گاهی با اهدای کارت و خرید جایزه و لوح تقدیر و ... در تمام مدت سعی می کردم رفتارهای مثبت را در بچه ها تشدید کنم.

گرد آوری اطلاعات (شواهد ۲) :

فعالیت های آموزشی کلاس درس می توانند منبع مناسبی برای یافتن مسائل و مشکلات دانش آموزان و نیز چگونگی پیشرفت تحصیلی آنان باشد. معلم با ارزیابی دقیق این فعالیت ها، امکان ارائه بازخورد ضعف ها و قوت ها را برای خود و دانش آموزان فراهم می آورد. سنجش روزانه کلاسها، یکی از مولفه های بسیار اساسی برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز در این زمینه است. در این نوع سنجش فعالیت های بسیار دانش آموزان به طور مداوم مورد ارزیابی و تحلیل معلم قرار می گیرند تا نتایج حاصل از آنها وضعیت دانش آموزان برای اقدامات بعدی آموزشی روشن سازد. این فعالیت ها به صورت های گوناگونی قابل سنجش هستند. در طی اجرای طرح و به خصوص در اواخر اسفند ماه تغییرات در بین دانش آموزان کاملاً نمود آشکار پیدا کرده بود. رفتارها خوب بچه های این کلاس در محیط کوچک مدرسه ، تاثیر مثبتی روی رفتار در کلاس های دیگر گذاشته بود. دانش آموزان از لحاظ اخلاق و رفتار، آنقدر تغیرات مثبت داشتند که موجب تعجب تعدادی از همکاران که مدت حضورشان در مدرسه کم تر بود ،شده بود. طرز صحبت کردن، احترام به یکدیگر، همکاری در کارها، رعایت نظم و ... در بین آنها کاملاً مشهود بود. در برگزاری مراسمات فعالیت ایشان بسیار چمشگیر بود. پاسخنامه هایی را تدارک دیدم و در اختیار بچه ها قرار دادم و نظرات آنها را جویا شدم. بعد از جمع بندی کاملاً مشخص بود که ایشان از اجرای طرح کاملاً رضایت دارند و آن را موجب تغییرات مثبت در رفتار خودشان می دانند. مدیریت مدرسه و همکاران و والدین نیز همگی رای مثبت به تغییر رفتار در دانش آموزان را داشتند.

با استخراج نتایج پرسش‌نامه‌ای که به دانش‌آموزان داده شد مشاهده شد:

۱. صفت سستی در نماز، غیبت، دروغگویی، عدم رعایت حجاب و پروا از نامحرم با کاهش چشمگیریروبرو شده است و ا کثر دانش‌آموزان به اطلاعات زیادی در مورد گناهان و عواقب آنها دست یافته اند

۲. دانش‌آموزان با ظاهری محجبه‌تر از گذشته در مدرسه و خارج از آن حضور پیدا می‌کردند.

۳. استقبال دانش‌آموزان از نمازجماعت بیشتر شدو علاقمندی آنان به کلاس‌های پرورشی افزایش یافت.

۴. والدین از پیشرفت اخلاقیات فرزندان خود پس از اجرای طرح بسیار راضی بودند.

۵. دانش‌آموزان ابراز می‌کردند که از این بسیار خوشحالند و احساس می‌کنند به خدا نزدیک‌تر شده‌اند.

۶. خاطرات دانش‌آموزان از زمان ترک گناه که تحویل اینجانب شد.

ارزشیابی تاثیر اقدام جدید و تعیین اعتبار آن :

در یک کلاس درس، به درک معلم از دلیل رفتار دانش آموزان و دادن پاسخ مناسب به ایشان ، همدلی گفته می شود که با وجود آن، شانس موفقیت وی در ایجاد یک فضای صمیمی تاثیر گذار بیشتر است. محیطی همراه با همدلی، این امکان را فراهم می کند که دلایل واقعی اعمال افراد آشکار شود. معلم باید خود را علاقه مند ، مراقب و نگران نشان دهد، لازم نیست که او با دلایل و یا توجیه دانش آموز برای رفتار نامناسب خود، موافقت کند. بلکه کافی است با او همدلی کند تا دلیل واقعی عملکرد ضعیف یا غلط او

را درک کند. همیشه به یاد داشته و خواهم داشت با همدلی و اعتماد، می توان به احساسات و نگرش هایی پی برد که پشت پیام افراد وجوددارد. همدلی و اعتماد مهم ترین اعتباری بود که من آن را در انجام پروژه خود کسب کردم دیگر راه حل های ارائه شده در کلاس هم، چون کاملاً مطالعه شده انتخاب شده بود نتایج خوبی را کسب کرد. الگو قرار دادن رفتارهای خودم و ایجاد صمیمت با بچه ها باعث شده بود که آنها روی من حساب دیگری باز کنند. خیلی وقت ها مشکلات خود را با من در میان می گذاشتند و من مثل یک برادربزرگتر آنها را راهنمایی می کردم و در بعضی موارد هم که حل آن در توان من نبود آن را با مدیر مدرسه در میان می گذاشتم. آموزه های دینی و قرآن هم روی آنها بسیار تاثیر گذار بود. حضور آنها در نماز جماعت که در ماههای اول بسیار کم رنگ بود در اواخر اجرای طرح بسیار نمود داشت، من هم از این فرصت برای صحبت کردن با آنها استفاده می کردم. کتابخانه کلاسها هم دیگر یک جعبه خالی نبود. بلکه تبدیل به کتابخانه سیار شده بود که آوازه آن حتی به مدارس دیگر هم رسیده بود خیلی از بچه ها نیز تقریباً تمام کتاب ها را مطالعه کرده بودند. با کمک و همکاری مدیر مدرسه یکی از جلسات شورای آموزگاران را در اواخر فروردین ماه به بررسی طرح اختصاص دادیم. و بعد از یک نظر سنجی از همکاران و جمع اوری نظرات که خوشبختانه همگی نظر مساعدی داشتند متوجه شدیم که این طرح در بالا رفتن نمرات درسی بچه ها نیز تاثیر به سزایی داشته است. چرا که بچه ها ،با نظم کامل و به دور از سر و صدا و جنگ و جدل در سر کلاس درس تمام توجه خود را به یادگیری معطوف داشته و برای جلب توجه معلمان و گرفتن رضایت از ایشان درسهایشان را خیلی بیشتر از قبل می خوانند. از طرفی با همکاری والدین و حضور مستمر ایشان در مدرسه و رعایت نکات مطرح شده در محیط خانه و خانواده، امکانات کاملاً فراهم شده بود به طوری که ایشان بیشتر حواسشان را معطوف به درس خواندن کرده بودند. حفظ آیات و احادیث و جست و جو برای نوشتن حدیث و روایات بر روی تابلوی کلاسها هم باعث ایجاد علاقه و انگیزه ایشان در شرکت در مسابقات فرهنگی مثل قرآن، انشای نماز و نهج البلاغه شده بود که خوشبختانه با پشتکاری که داشتند در بسیاری از این مسابقات رتبه های خیلی خوبی را هم کسب کردندامروز که به روزهای شروع سال تحصیلی فکر می کنم واقعاً خدا را شاکرم چراکه از وضعیت مدرسه کاملاً راضی هستم. اثری از کشمکش و تعارض بین بچه ها مشاهده نمی شود و به ندرت بر سر مسائل با هم درگیر می شوند. به طور کلی از شروع اجرای طرح تا پایان آن مراحل زیر را در مدرسه و خارج از آن به اجرا در آوردم که عبارتند از: ۱- شناسایی مشکل و عوامل به وجود آورنده مشکلات اخلاقی و تربیتی بین دانش آموزان . ۲- گردآوری اطلاعات از منابع متعدد از جمله خود دانش آموزان و والدین ایشان. ۳- انتخاب کلاس مورد نظر و تجزیه و تحلیل عوامل و شناسایی عوامل تاثیر گذار. ۴- انتخاب تعدادی از روش ها با کمک مدیر، و دیگر همکاران و اجرای آنها در کلاس درس و خارج از آن. ۵- تشویق دانش آموزان جهت شرکت در نماز جماعت و تمسک به آموزه های دینی و احادیث. ۶- تشویق و ترغیب دانش آموزان جهت همکاری و ایجاد انگیزه برای تغییر رفتارهای مثبت. ۷- ایجاد تغییرات مثبت در رفتارهای دانش آموزان و به طبع وضعیت تحصیلی ایشان.

نتیجه گیری:

تربیت دینی یعنی فعالیتهای منظم و منطقی جهت تربیت ابعاد وجودی انسان در قالب دین به گونه ای که متربی به اصول عقاید، اخالق و احکام شناخت و ایمان پیدا کند و این شناخت منجر به عمل پایدار در او شود. در این صورت به هدف تربیت دینی یعنی عبادت و بندگی خداوند خواهد رسید. انسان دارای ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری میباشد. برای تربیت صحیح لازم است به این ابعاد توجه شود تا امر تربیت آسانتر و نتیجه، قطعی تر باشد .تربیت دینی دارای ابعاد اعتقادی، اخلاقی و عبادی است. اعتقادات پایه

های عمل هر فرد را تشکیل میدهند. اخالق و عبادات در واقع نتیجه ی اعتقادی است که همراه با شناخت و ایمان باشد. بنابراین پرداختن معلم و کتب درسی به ابعاد تربیت دینی، ضروری است. شیوه ی اثر گذاری دانش آموزان بر یکدیگر نیز با درگیر کردن ابعاد انسان یعنی تأثیر بر شناخت ها و احساسات فرد است که در نتیجه ی آن رفتار فرد متناسب با ارزش های القا شده تغییر میکند . معلمان میتوانند در جهت افزایش شناخت دانش آموزان نسبت به آموزههای دین نقشهای الگویی و آموزشی داشته باشند. این آموزش در صورتی کارساز خواهد بود که در همه ی زمینههای شناختی، احساسی و عملی انجام گیرد. ویژگیهای معلم مانند تربیت دینی، اخلاق نیک، مطابقت گفتار و کردار، محبوبیت و مقبولیت او در نفوذ او در دانش آموزان تأثیر مثبت دارد. عالوه بر الگو بودن و آموزش دادن در صورتی که معلم اصول تربیت را به کار گیرد، میتوان گفت وظیفه ی خود را به عنوان یک مربی انجام داده است .محبت به دانش آموز دین را برای او زیبا میکند و علاقه و انگیزه اش را بیشتر. زمینه سازی و شروع تدریجی، راه را برای دانش آموز هموارتر میکند. رعایت اعتدال در تمامی مراحل تربیت پیشرفت متربی را مداوم و آسان خواهد کرد. حفظ حریت و آزادگی دانش آموز، موجب میشود تا معلم شناخت بیشتر از او به دست آورد و دانش آموز نیز حس اجبار و اکراه در انجام امور نداشته باشد و در سایه ی عقل خویش استعدادهایش را شکوفا کند. گرامی داشت شخصیت دانش آموز، عزت نفس را به دنبال خواهد داشت و عزت نفس او را از لغزش ها و وسوسههای افراد نااهل باز میدارد. نظارت و مراقبت مستمر از دانش آموز باید در تمام مراحل وجود داشته باشد تا تلاشهای معلم و دانش آموز به نتیجه برسد. ما اغلب اوقات درباره اینکه معلمان و معاونان کارامد و برجسته ،چگونه مهارتهای خود را به دست می آورند،فکر نمی کنیم.آنها غیر از مهارتهایی که در تدریس دارند ،از صفات فراوان دیگری نیز برخوردارند.آنها درباره دانش آموزان خود اطلاعات زیادی دارند ،از کار با آنها لذت می برند و به آنان عشق می ورزند. بر اساس تحقیقات ،معلمان خوب قادرند قدرت تفکر دانش آموزان را پرورش دهند،رشد آنان را آسان سازند ، و خود را با شرایط متغیر تطبیق دهند. به شخصیت دانش آموزان احترام می گذارند ودرک خوبی از وضعیت روحی ،عاطفی و خانوادگی آنان دارند.زیرا مهارت کلی شناختی دانش آموز ،تحت تاثیر وضعیت روحی ،عاطفی و خانوادگی قرار دارد. می توانند از آغاز رابطه خوبی با دانش آموزان خود برقرار سازند. آنها با آزادی و به آسانی برخورد می کنند ،مهارت های لازم را برای ارتقای انگیزه دانش آموزان دارند من نیز تا پایان اجرای پروژه تمام سعی خود را بر آن داشتم که به شخصیت دانش آموزانم احترام بگذارم ودرک درستی از وضعیت روحی ،عاطفی و خانوادگی ایشان داشته باشم.در پایان به نتایجی به شرح زیر دست یافتم: ۱- برقراری ارتباط صمیمانه با دانش آموزان و جلب اعتماد ایشان در حل مسائل. ۲- تغییر رفتارهای مثبت دانش آموزان. ۳- تغییر رفتارهای مثبت دانش آموزان در محیط بیرون از مدرسه و در محیط خانه و خانواده. ۴- توجه ویژه به خواندن قرآن و نماز به خصوص نماز جماعت. ۵- عالقه به خواندن کتاب و استفاده از کتابهای مفید و آموزنده و تاثیر متقابل آن در رفتارهای ایشان. ۶- کسب رتبه در مسابقات فرهنگی – هنری و برگزاری اعیاد و مراسمات مذهبی در محیط مدرسه . ۷- حضور مستمر والدین در محیط مدرسه و توجه بیشر ایشان به مسائل درسی و تربیتی فرزندشان. ۸- برقراری نظم در کلاسهای درس خودم و محیط مدرسه . ۹- افزایش سطح نمرات درسی دانش آموزان در امتحانات مستمر و پایانی

دیگر راهکار ها

۱. اجرای طرح اربعین معرفت (با امضای تعهدنامه مقید می‌شوند چهل روز سعی بر ترک گناهان داشته باشند).

۲. استفاده از آثار اذکار مختلف در درمان امراض روحی، با استفاده از کتاب پرسش‌های شما، پاسخ‌های آیت‌الله بهجت(ره)

۳. اجرای طرح عرضه اعمال بر پیشوایان و مراقبه نفس (با تهیه دفترچه و ثبت اعمال مثبت و منفی روزانه در آن).

۴. اجرای طرح همسو با خوبان (استفاده از الگوهای دینی و سعی بر متخلق شدن به اخلاق آنها).

۵. آشنا نمودن دانش‌آموزان با آثار بهداشتی، اجتماعی و روانی مستحاب و مکروهات

۶. مسابقه‌ی ادبی با موضوع برترین نعمت

۷. نادیده گرفتن خطاهای دانش‌آموزان و حذف آنها از دفتر انضباطی در اعیاد بزرگ اسلامی وده ها برنامه‌جانبی دیگر

راهکارهایی برای مشارکت مذهبی دانش آموزان در مدرسه

۱. پخش اذان و سکوت دانش آموزان هنگام شنیدن اذان ظهر از بلندگوی مدرسه به صورت هماهنگ در سطح مدارس منطقه.

۲. اختصاص دادن یک جلسه اولیاء و مربیان در مدارس جهت آموزش و اهمیت فواید اذان و اقامه توسط مربیان تربیتی یا توسط یکی از اولیای دانش آموزان به منظور سهیم نمودن اولیای دانش آموزان به عنوان الگو و نمو برای فرزندانشان.

۳. گرامی داشت یاد و خاطره ی اولین اذان صدر اسلام توسط " بلال حبشی " درسالروزشان و مشارکت دادن خود دانش آموزان در برگزاری این مراسم.

۴. آموزش و تفسیر اذان و اقامه و مسایل تربیتی در شورای دانش آموزی و انجمن و انتقال مسایل مطرح شده توسط اعضای این شورا به کلیه ی دانش آموزان.

۵. برگزاری نمایشگاه از آثار و دست سازه های دانش آموزان در سطح مدارس توسط دانش آموزان و مربیان تربیتی در ارتباط با اذان و اقامه و نماز.

۶. برگزاری مسابقات علمی – دینی –فرهنگی بین دانش آموزان و معلمین جهت آموزش و تشویق به مطالعه و یادآوری و به روز شده اطلاعات و تقویت بنیه آنان.

۷. نمایش فیلم های آموزنده و هویت دینی و فرهنگی از زندگی شخصیت های دینی – علمی درباره ی نماز در ساعات پرورشی و قرآن و ...

۸. تهیه و تنظیم بروشورهایی با همکاری مشاورین مدرسه و امور تربیتی در ارتباط با آموزش اذان و اقامه.

• راهبردهای فضاسازی تربیتی

۱. توجه داشتن به عناصر ارتباط سالم

از نیازهای اساسی والدین و معلمان در امر تربیت ، مهارت برقراری ارتباط سالم است. به این معنا که طرفین در امر مبادله ی اطلاعات و احساسات در فضایی مناسب و مشارکت کرد ، با یک دیگر هماهنگی داشته و در این ارتباط هر دو احساس ارزشمندی کنند. به طور کلی ارتباط انسان ها با یک دیگر بر اساس دو بینش برقرار می شود : "کرامت و اهانت " یعنی یا بر اساس تکریم شخصیت یا تحقیر شخصیت .

از دیدگاه اسلام ارتباطی سالم است که بر پایه ی تکریم شخصیت و عزت نفس و احترام متقابل افراد استوار باشد.

برای کمک به ایجاد فضاسازی تربیتی بر اولیا و مربیان لازم است که به عناصر ارتباط سالم توجه داشته و آن را به صورت یک مهارت در خود رشد دهند.

عناصری از قبیل وضعیت ظاهری نگاه ها و حالت های چهره ، حرکت ابروها و دست ها خضوع و فروتنی و نیز فضای معنوی شرایط زمان و مکان ، نوع کلمات و جملات ، آهنگ و لحن بیان ، خوب گوش دادن ، سخن خوب گفتن از جمله عناصر مهم در ارتباط سالم هستند که در ایجاد فضای تربیتی مناسب نقش هم ایفا می کنند.

۲. هدف آگاهی و بالا بردن ادراک کودکان و دانش آموزان

۳. وجود نیروهای کارآمد در امر تعلیم و تربیت

الف)شخصیت نافذ که فرزند تو را بپذیرد دوست بدارد ، شخصیت خود را از روی شخصیت تو بسازد. مایه های نفوذ عبارتند از : صداقت ، صمیمیت و محبت.

ب)قدرت تفهیم : آشنایی به زبان روان شناسی تعلیم و تربیت

ج) اطلاعات کافی ، فهم موضوع درس

۴. فضای مناسب فیزیکی و سایر امکانات :

محیط مناسب و شاد و جذاب از عوامل مهم و موثر در فضاسازی است. حجم و فضای اتاق ها ، نوع رنگ ها و نور و گرما و سرما و غیره باید با یافته های علمی و روان شناسی هماهنگ باشد.

۵. هماهنگی و مشارکت عوامل مدرسه :

همکاری ، پشتیبانی و مشارکت معلمان و مدیر و معاون و مشاور ، فضایی را ایجاد می کند که دانش آموز با احساس آرامش انگیزه و اطمینان به اخذ درس ها به رفتارهای خوب بپردازد. تضاد و چندگانگی بین عوامل مدرسه یکی از آسیب های خطرناک در نظام تعلیم و تربیت به شمار می رود.

راهکارهایی برای تعمیق و تقویت آموزه های دینی

۱. تشکیل کمیته های مختلف مانند : کمیته نماز ، تواشیح ، سرود ، دکلمه و نمایش نامه و کمیته پژوهش .

۲. تلفیق آموزش دینی با تمام دروس (علوم اجتماعی ، تاریخ ، هنر و ...)

۳. فراخوان مقاله با موضوعات خاطره های نماز ، باورهای مذهبی و موفقیت ها ، نماز و پرورش اخلاق نیکو ، گفت و گو با خالق یکتا و بهداشت در دین .

جذاب نمودن نمازخانه یا مکان اجرای مراسم مذهبی ، چون معطر ساختن آن ، تمیز و زیبا بودن

۴. اعتدال از نظر گرما و سرما نقاشی های مناسب با ارزش های دینی روی دیوار .

۵. حرکت های دسته جمعی در انجام مراسم های دینی ، برگزاری نماز های جماعت ، شرکت در مراسم زیارت عاشورا ، ایام سوگواری و جشن های مذهبی و مولودی ها .

تا این جا موضوعاتی که مطرح گردید و راهکارهایی که ذکر شد همگی در واقع خدمات مشاوره ای غیر مستقیم در سطح مدرسه و یا کلاس بوده است که اگر به زعم بنده به طور کامل اجرا شود در واقع گام اساسی در جهت بهبود رویکردهای تربیتی و تقویت باورهای دینی برداشته خواهد شد.

البته موارد استثنایی هم وجود دارد مثلا دانش آموزی که مورد اخلاقی داشته و با ناسازگاری در کلاس و مدرسه جریان سازی کرده و دیگران را هم به طرف خود می کشاند. شایان ذکر است که یک چنین مواردی در بین دبستانی ها نادر است ولی در بین دانش آموزان دوره ی راهنمایی و دبیرستان به وفور یافت می شود.

راه اساسی و سالم در برخورد با چنین قضیه ای صبر و شکیبایی و استعانت از درگاه احدیت و توسل به ائمه ی اطهار(ع) و در ادامه تلاش برای کمک به پرورش و رشد دینی دانش آموز که می بایست ابتدا موشکافانه به بررسی عدم علاقه ی وی به دین و باورهای مذهبی پرداخت و علل و موانع رشد دینی را در او کشف نمود. سپس با دوستی و محبت و علاقه به آینده و وضعیت او ، بتوان شخص را در جهت تکامل اخلاقی سوق داد.

طرح دوستی و مودت در بین دانش آموزان دوره راهنمایی و دبیرستان از مهم ترین اصول و راهکارهای طلایی است که معلمان دل سوز از آن بهره می برند.

مطلب مهم دیگری که به نظر بنده در تقویت و رشد باورهای دینی دانش آموزان دبستان حائز اهمیت است

بهداشت روان و سلامت آنان است چرا که بهداشت روان و خدمات مشاوره ای در تقویت باورهای دینی رابطه ای تنگاتنگ دارند.

مادامی که این بهداشت روان برقرار باشد دانش آموزان روال عادی و طبیعی خود را در رشد هوشی ، باور دینی ، رشد هیجانی و ... طی می کند.

منابع

۱. ابوطالبی مهدی (۱۳۸۶ ،)»تربیت دینی از دیدکاه امام علی« قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۲. امینی ابراهیم (۱۳۸۶ ،)»اسلام و تعلیم و تربیت« ویرایش دوم، قم: مؤسسه بوستان کتاب، چاپ دوم.

۳. احمدی حمید.(۱۳۸۲ ،). هویت ملی ایران، بنیادها و چالشها و بایسته ها، نامه پژوهشی فرهنگی، شماره ششم، تابستان. ششم شماره ۱۸

٤. حاجیانی ابراهیم.(۱۳۷۹ ،). تحلیل جامعه شناختی هویت ملی درایران و طرح چند فرضیه،فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم شماره ۱

٥. داودی محمد (۱۳۸۸ ،)»تأملی در هدف تربیت اعتقادی« دوفصلنامه علمی پژوهشی تربیت اسلامی، سال چهارم شماره ۹.

٦. ---------- (۱۳۸۹)»سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت(ع)، جلد دوم:تربیت دینی« قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه چاپ هفتم، .

۷. ---------- (۱۳۸۹)»سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت (ع)، جلد سوم:تربیت اخلاقی« قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم.

۸. معین ، محمد ،۱۳۷۱، فرهنگ فارسی ، جلد ۸ ، تهران ، انتشارات امیرکبیر

۹. میالاره ، گاستون ،۱۳۷۵، معنی و حدود علوم تربیتی، جلد ۲، ترجمه علی محمد کاردان ، تهران ، انتشارات دانشگاه تهران

۱۰. عظیمی ، سیروس ، ۱۳۶۹، روان شناسی کودک ، جلد ۱، تهران ، انتشارات معرفت

۱۱. سادئی ، علی ، ۱۳۷۴، ویژگی های دبیر دینی مطلوب و نقش او در شکل گیری هویت دینی دانش آموزان ، جلد ۲، تهران ، انتشارات تربیت

۱۲. مطهری ، مرتضی ،۱۳۶۷، امدادهای غیبی در زندگی بشر ، تهران ، انتشارات صدرا

۱۳. شعاری نژاد ، علی اکبر ، ۱۳۷۵، مبانی روان شناختی تربیت، جلد ۳، تهران ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱٤. داودی ، محمد ، ۱۳۸۴، نقش معلم در تربیت دینی ، جلد ۱، قم ، پژوهشکده حوزه و دانشگاه

۱٥. بیابانگرد ، اسماعیل ، ۱۳۷۹، روان شناسی نوجوانان ، چاپ چهارم ، تهران ، انتشارات فرهنگ اسلامی

۱٦. موگهی ، عبدالکریم ، ۱۳۸۰، روشهای تربیت دینی ، ماهنامه فرهنگی یاس ، شماره ۸ صفحه ۴۲

۱۷. مظاهری ، حسین ، ۱۳۷۸، تربیت فرزند از نظر اسلام ، قم ، انتشارات روحانی

The Role of the Educational Assistant in Strengthening Students' Religious and Cultural Identity: An Action Research in Sama Boys' Elementary School in Miandoab City

Abstract

The purpose of the present study is to investigate the role of educational assistants in motivating and making students interested in cultural and religious activities. Given these importance and necessities, the present article can be used as a practical guide for managers and responsible individuals in the field of education to improve the educational and training process and contribute significantly to improving the quality of education and the cultural development of society. One of the important issues in the field of education is to motivate and interest students in cultural and religious activities. In this context, educational assistants, as people close to students and families, play a very important role in strengthening students' motivation and interest in cultural and religious activities. By providing appropriate programs and activities, they can effectively strengthen this motivation and interest and help shape their cultural and religious identity. Finally, we came to the conclusion that the most appropriate culture in our society is religious and Islamic culture, and among them, educational assistants play an important role in institutionalizing it. By providing appropriate solutions and making students interested in this area, they can shape Islamic culture in society.

Keywords: Educational assistant, strengthening, religious and cultural identity, Miandoab